

ن - پایش

باید های اهداف سترایشیک ما (خطوط قرمز)

در نزد عده ی زیادی واژه خطوط قرمز حامل بار منفی تعصب و تحجر تلقی شده است، آیا میتوان گفت خطوط قرمز واقعاً نمودار دیوار های تعصب اند ؟

واقعیت اینست که ازین خطوط به بعد آسیب پذیری قلمرو هویت آغاز مییابد . در واقع مدافعه این خطوط لازمه حفظ هویت است لذا خطوط قرمز در ذات خود مبین تعصب و تحجر نیست بلکه تفسیر امیخته با تحجر و تعصب از انست که به مانع حرکت پیشرونده و ارتقایی مبدل میگردد، به این ترتیب برای یک حرکت پیشرونده ، در حالیکه خطوط قرمز ضرورت ارائه هویت محسوب میگردد ، بنابر ماهیتش سرحدات جاویدان و تغیر ناپذیر نیز پنداشته نمیشوند . ازین خطوط زمانی میتوان عبور کرد که تغیر هویت مدنظر باشد و یا زمانی به ان حمله ور میشوند که تخریب هویتی در نظر باشد.

بحث هویت و خطوط تحفظ آن و نگاه به شیوه تفسیر این خطوط بحث حساس و با اهمیت است . تاریخ رویدادهای زیادی را در حافظه خود دارد که ناتوانی در دفاع ازین خطوط چگونه به فروپاشی های ناگزیر بنا های استوار ساختار های سیاسی و اجتماعی انجامیده و پافشاری و سماجت روی تغیر ناپذیری خطوط قرمز بنیاد گرایانه ترین تفسیر ارزنده گی و نقش ساختار های مورد بحث بدست داده و خود شان را در موقعیت متضاد « خود شان » قرار داده اند.

این تجارب تلخ مخصوصاً در چرخش های با اهمیت تاریخ تفکر ، تغیر شرایط اجتماعی و اتخاذ سیاستهای جدید تکرار شده است . با این مختصر میخواهم توجه را به این نکته جلب بدارم که برای حزب وطن ، (که با حضور دوباره اش در عرصه سیاست فعال ، بازسازی سیاسی ، تشکیلاتی و فکری ناگزیر را تجربه خواهد کرد) درک درست از مفهوم و هدف خطوط قرمز اهمیت سرنوشت ساز دارد .

یکی از بااهمیت ترین رویداد های زنده گی این حزب تدویر مجمع عمومی حزب وطن مورخ ۵ میزان ۱۳۹۱ منعقد شهر کابل است . درین ارتباط شخصیتها ، گروه ها و محافل مواضع مختلفی را ابراز داشته اند (علی الرغم موافقت و یا مخالفت ما با مواضع یاد شده) در رابطه با عمل ، عکس العمل و تامین رابطه با این گروه ها این حقیقت باید مورد توجه قرار داده شود که منازعات و روابط قبل از تدویر مجمع عمومی حزب بصورت کامل بخشی از تاریخ مناسبات گذشته است و دیگر اساس مناسبات ما بوده نمیتواند .

در شرایط جدیدچنین روابط تنها از نام حزب وطن و با توجه به ماهیت و وظایف آن باز تامین میگردد .
از نظر ما دیگر چیزی بنام محیط های سیاسی - تشکیلاتی ایجاد شده از بدنه حزب وطن وجود ندارد، چون حزب وطن وجود دارد . زمان استفاده از زبان ، تعبیر ها و ادبیات دوره فروپاشی تشکیلاتی سپری شده است .

این به معنی آن نیست که ما از موجودیت گروهها و حلقات که دیروز اعضای حزب وطن بودند و امروز به نحوی اظهار وجود میکنند منکر شویم و بگویم که ما چون میگویم نیستند پس نیستند ، آنها هستند و ساده ترین دلیلش هم اینست که هستند . ولی ما بر این نکته پافشاری داریم که بعد از تدویر مجمع عمومی حزب وطن تنها کسانی اعضای حزب محسوب میگردند که اساسنامه آنرا قبول و بالای خود تطبیق کنند ، مرامنامه آنرا قبول داشته باشند و در یکی از واحد های اولیه آن شرکت نمایند . آنهاست که اظهار موجودیت میکنند و در چوکات تشکیلاتی حزب وطن حضور ندارند ، یعنی که در چوکات تشکیلاتی دیگری وجود دارند، شاید همراه ، همسو و مشترک الاهداف با حزب وطن باشند ولی اعضای این حزب محسوب نمیگردند . این به معنی آن هم نیست که راه بازگشت شان به حزب وطن مطلقاً مسدود شده و یا اعضا و ساختار های حزب وطن در برابر آنها وظایف خود را انجام یافته تلقی میکنند . **ما هنوز هم**

به تقرب هرچه بیشتر و انکشاف این همراهی و همسویی تا سرحد حضور در تشکیلات واحد در ساختار های حزب وطن مسؤلانه می اندیشیم و برای تحقق این امر ، در چوکات اصول ویرنسیبهای اساسنامه وی نرمش کامل داریم هرگونه طرز تفکر دیگر زیر سوال قرار دادن مشروعیت مجمع عمومی حزب وطن مورخ ۵ میزان ۱۳۹۱ را هدف قرار میدهد . و این عقبگرد به دوران فروپاشی است . ناگفته پیداست که این رجعت چه معنی دارد .

طرح دعوت به مذاکرات و گویا میانجیگری ها نیز از همین هدف برمیخیزد تا با تحریک جو احساسات « وحدت طلبانه » حزب وطن برآمده از مجمع عمومی را مجدداً به یک محیط هواخواه حزب وطن تنقیص و رجعت داده بعداً در دایره سرگردان « مذاکرات » حذف نمایند .

طرح ما بسیار روشن است . حزب وطن موضوع هیچ نوع مذاکره با هیچ شخص و گروهی بوده نمیتواند . این حزب بوجود آمده و عملاً فعالیت دارد .

و اما برای مذاکره روی تمام مسایل مربوط به حیات حزبی هیچ چیز را مستثنی نمیدانیم . مسلم است که چوکات عمومی مذاکرات از قبل مشخص و روشن است . هر پیشنهاد ، هر طرح فکری تنها با رعایت خلاق اهداف حزب وطن ، دیدگاه ها ، تفکرو آرمانهای این حزب استوار خواهد بود .

حزب وطن آماده است تا با گروه ها و محافل که خود را نزدیک به طرز تفکر و اهداف این حزب میدانند بالای اساسنامه ، مرامنامه ، ساختار تشکیلاتی و ساختار کادری به مذاکره بپردازد . با تدویر مجمع عمومی کار حزب پایان نیافته بلکه تازه آغاز شده است .

میخواهم با صراحت خاطر نشان سازم که محیط های سیاسی - تشکیلاتی که بعضاً ادعا میشوند ، حتی اگر صادقانه به تحقق آرمانهای حزب وطن بیاندیشند و وفادار هم باشند به عنوان بخشی از حزب وطن قابل مذاکره نیستند بلکه میتوانند به حیط محیط های ایجاد شده از ترکیب اعضای سابق حزب وطن که تا هنوز در ساختار های حزب وطن ثبت نام نه نموده و به این اعتبار اعضای حزب وطن نیستند مذاکره واز مجاری اصولی زمینه حضور آنها در جایگاه خود شان یعنی ترکیب حزب وطن مساعد ساخته شود .

باور داریم منازعاتی که تا قبل از تدویر مجمع عمومی حزب وطن جهت اخلاص حضور دوباره حزب در وضعیت سیاسی کشور جریان داشت بشکل سابق ادامه نخواهد یافت . زیرا چنین تلاشها چه از لحاظ کمیت و چه از لحاظ اثر گذاری بر پروسه استحکام تشکیلاتی تأثیری مخربی از خود بجا گذاشته نمیتواند . اما بدون تردید با منازعاتی که هدف تخریب حزب وطن را دنبال میکنند قالب ها و اشکال گوناگون مواجه خواهیم بود .

نمیتوان این احتمال را نادیده گرفت که درین تلاشها با استفاده از نیرنگهای مختلف پای بهترین رفقای دیروزی معتقد به راه و آرمانهای حزب وطن را بکشانند . بنابراین واکنش ما در برابر این رویداد ها و اشخاص باید از دقت ، ظرافت و تنوع لازم برخوردار باشد . آنچه درین روند بسیار با اهمیت است باید از شیوه سنتی رویارویی احساساتی پرهیز بعمل آید . مهم است که هدف اساسی ما درین پروسه نه برد دیگران ، نه دفاع از خود بلکه بر ارائه پیشنهادات متقابل اصولی ، دارای قابلیت عملی بودن که حیثیت تمام اطراف مسئله را مدنظر داشته باشد استوار گردد .

درین پروسه اولویت های ما کدام ها اند :

- آغاز مذاکرات بسیار صادقانه با گروه ها و ساختار های که به راه و آرمانهای حزب وطن اعتقاد دارند ما بالاترین سطح نرمش اصولی حزب را چهره نمای ماهیت این رابطه میدانیم .

- بعید از امکان نیست که بعضی گروه های مدعی نام و میراث داری حزب وطن ، وجود داشته باشند و بخاطر آن با حزب وطن که عملاً موجود است و فعالیت دارد خصومت میورزند که نیات شان از اهداف پشت پرده متأثر اند . در جذب کامل این گروه ها در ساختار های حزب نباید از وجود پروژه های مستور غافل ماند . مخصوصاً که تلاش برای اغفال حزب با پناه گرفتن در عقب بهترین اعضای معتقد به حزب وطن که متأسفانه با اشکال و ترفند های گوناگون در ترکیب خود جا داده اند همراه باشد . در چنین موارد که مستند و غیر قابل انکار باشد ، تشخیص رفقای معتقد به راه و آرمانهای حزب وطن و قانع ساختن آنها به عواقب خطر پذیری اصل محوری کار ما خواهد بود . ایجاد زمینه های حضور این رفقا در تمام قدمه های ترکیب حزبی به هیچصورت هدف شکستن گروه های مورد بحث را مدنظر ندارد ، بلکه ضرورت حضور شخصیت های مورد بحث را در جایگاه شان که به آن تعلق دارند تعقیب مینماید .

- در برخی موارد ادعا های بعمل میآید که هیچ واقعتی عقیدار آن نیست . حتی گروه محدود که بر محور این ادعا ها ظاهراً جمع شده اند بدون داشتن توافق درونی خود شان سرگردان جاده های تخیل اند و خود را در نقش پیشوایانی تصور میکنند که هزاران « مرید سربکف » منتظر اشاره آنهاست . اینان فقط در نقش خود غلو میکنند ، گرفتار نوعی نوستالژی اند نمیتوانند منبع خطری باشند ولی باید توجه داشت که حزب وطن نیز در وضعیت موجود تمامیت مکمل نیست ، هنوز ظرفیتهای در بیرون از حزب قرار دارند که باید جستجو و دعوت گردند . **ستراتژی**

تشکیلاتی ما باید بر همین پایه و برای تدارک زمینه حضور آنها در ترکیب حزب پیریزی گردد

- نمیتوان امکانات تبارز گرایشهای ویژه بودن و گویا پیشآهنگ بودن که به شکل گیری نگاه بنیاد گرایانه در حزب انجامیده میتواند را نادیده گرفت . مبارزه در برابر چنین گرایشها لازمه رفتن حزب به طرف مردم است . چنین گرایشها میتواند خطرناکتر از نیروهای مخالف ما در بیرون از حزب عمل کند .

ستراتژی تشکیلاتی و تبلیغاتی حزب باید در سمت رهبری موثر نگاه ما به آینده انکشاف یابد . ما به یک تعریف متعادل از اهداف مورد نظر ضرورت داریم نه بلند پروازی میان تهی و نه دودیدن که بین ما و جامعه فاصله ایجاد نماید .

